

The Future Scenarios of Women in the World

Aneseh Ghiasi^{1*}, Ahad Rezayan Ghibashi²

1. M.Sc. in Future Engineer, Institute of Higher Education Non-profit of Toloue Mehr, Qom, Iran

2. Post Ph.D. in Futures Studies, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received: February 6, 2022; Accepted: April 4, 2022)

Abstract

The importance of women of a society in various scientific, economic, social and political fields is one of the most important components of the development of a country. Since the status of women has an important and prominent position and achieving high and human goals and ideal situation in all fields and because women as half of the world's population in various social, political and economic problems can accelerate the growth and development of the world. The present article, which is applied research, tries to answer the question of how the future of women is moving and whether they can have a status of partnership like men. In this article, with regard to literature review and interviews with experts and according to Schwartz's step, Schwartz's step is related to 20 components which affect women's status and among them are two main driving factors of importance and uncertainty. Gender equality and economic growth are two important driving forces which have two uncertain conditions. the golden age, the period of attention, period of isolation and explosion period and each of these scenarios and finally some strategies and action for women's desirable status.

Keywords: Futures studies, Scenario, Women's future, Women's status challenge.

* **Corresponding Author, Email:** aneseh68@gmail.com

سناریوهای آینده زنان در جهان در افق ۲۰۵۰

آنسه غیاثی^{۱*}، احد رضایان قیه‌باشی^۲

۱. کارشناسی ارشد مهندسی آینده‌پژوهی، مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران

۲. فوق‌دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵)

چکیده

اعتبار و اهمیتی که زنان یک جامعه در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دریافت می‌کنند، از مهمترین مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی یک کشور محسوب می‌شود. وضعیت زنان جایگاه مهم و برجسته‌ای دارد که باعث رسیدن به اهداف متعالی و انسانی و وضعیت مطلوب در همه زمینه‌ها می‌شود. از آنجا که نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، مشارکت آن‌ها، توسعه‌یافتگی را در سطح جهانی سرعت می‌بخشد. مقاله حاضر، که از نوع تحقیقات کاربردی است، به این پرسش پاسخ می‌دهد که آینده زنان به چه سمتی پیش می‌رود و آیا به یک وضعیتی می‌رسند که مشارکتی مثل مردان داشته باشند؟ براساس یافته‌ها که با توجه به مرور منابع و مصاحبه با خبرگان و بر اساس گام‌های سناریونگاری شوارتز، ۲۰ مؤلفه که در وضعیت زنان تأثیرگذارند، شناسایی شد و از بین آن‌ها به دو پیشران نمره اهمیت و عدم قطعیت دریافت کردند. برابری جنسیتی و رشد اقتصادی دو پیشران مهم است که هر یک، دو حالت عدم قطعیت دارند. بر این اساس به چهار سناریو با عناوین دوره طلایی، دوره توجه، دوره انزوا و دوره انفجار به دست آمد و اجرای قوانین حمایت حقوق زنان و تلاش برای رفع تبعیض علیه زنان و مبارزه با خشونت علیه زنان را برای وضعیت مطلوب پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: آینده زنان، آینده‌پژوهی، چالش وضعیت زنان، سناریونگاری.

مقدمه

در سال ۱۹۹۶ پروژه هزاره از صدها آینده‌پژوه در سراسر جهان پرسید که در حال حاضر چه اتفاقی می‌افتد که می‌تواند در ۲۵ سال آینده برای آینده بسیار مهم باشد که با نظرسنجی و مصاحبه‌های دلفی به ۱۵ موضوع جهانی اشاره شد که یکی از آنها این بود که وضعیت زنان در حال تغییر است کمیته برنامه‌ریزی پروژه هزاره در آن زمان احساس کرد که این مسائل بیشتر به مشکلات تأکید می‌کند تا فرصت‌ها، و دید نامتوازنی از آینده ارائه می‌دهد برای اصلاح این امر از طریق نظرسنجی و مصاحبه‌های دلفی در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ این بار از پنل بین‌المللی آینده‌پژوهان پرسیده شد که چه تحولات مثبتی می‌تواند در آینده قابل پیش‌بینی برای بهبود شایان توجهی در وضعیت انسان ایجاد شود که برای وضعیت زنان افزایش استقلال اقتصادی زنان و سایر گروه‌ها گفته شد. که این دو فهرست در سال‌های بعد از طریق نظرسنجی ترکیب شد که در این مرحله نمایندگان فنلاند در کمیته برنامه‌ریزی پروژه هزاره گفتند «ایست، مدام تغییر نکن این یک لیست خوب است می‌خواهیم از آن برای ارزیابی پیشرفت کشورمان استفاده کنیم اگر به تغییر ادامه دهید مقایسه پیشرفت از یک سال به سال دیگر برای ما دشوار خواهد بود»؛ بنابراین، چالش‌های جهانی یکسان باقی مانده‌اند (پروژه هزاره میلینوم، ۲۰۱۷)^۱. چالش‌ها به یکدیگر وابسته اند بهبود یکی، پرداختن به دیگران را آسان‌تر می‌کند و بدتر شدن یکی، پرداختن به دیگران را دشوارتر می‌کند، پس بحث درباره اینکه آیا یکی از دیگری مهم‌تر است، مانند این است که گفته شود سیستم‌های عصبی انسان مهم‌تر از دستگاه تنفسی است. در عصر کنونی نادیده گرفتن، یا حتی کمرنگ‌دانستن موضوعات مربوط به زنان در واقع انحراف از مسیر توسعه همه‌جانبه و پایدار است زنان به عنوان نیمی از سرمایه انسانی و به عنوان پرورش‌دهندگان نسل امروز و فردا نه تنها موضوع و هدف توسعه هستند بلکه عامل مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه محسوب می‌شوند. بنابراین، باید زمینه‌های مشارکت اجتماعی بیشتر آنان فراهم شود و از نیروی زنان در همه سطوح استفاده شود. این امر علاوه بر مشارکت زنان در همه عرصه‌های

۱. برگرفته از <https://www.millennium-project.org/challenge-11>

اجتماعی به دلیل آگاهی بیشتر آنان به مشکلات زنان امکان رفع موانع پیش روی زنان را نیز افزایش خواهد داد (اسحاق حسینی، ۱۳۸۲).

بنابر باور بسیاری از صاحب‌نظران، انسان محور توسعه پایدار است و جامعه‌ای می‌تواند توسعه یابد که همه افراد آن، ظرفیت توسعه‌پذیری را داشته باشند و راه‌ها و روش‌های مناسب برای حصول توسعه پایدار را بیابند (نیکان، ۱۳۸۴). توسعه امری پیچیده است، ابعاد گسترده‌ای دارد و برای تحقق آن تلاش و صرف انرژی و منابع در یک یا چند بعد به تنهایی کافی نیست، یکی از این ابعاد، مسئله زنان و منظورکردن ملاحظات جنسیتی در فرایند توسعه است (مؤمنی، ارضروم‌چی‌لر و هنزدوست، ۱۳۹۳). طبق آمار سازمان ملل (۱۹۸۵) زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما نزدیک به دو سوم کار جهان را انجام می‌دهند ۱۰ درصد از درآمد جهان را به دست می‌آورند مالک کمتر از ۱ درصد دارایی‌های آن‌اند (ابوت و والاس، ۱۳۷۶). زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای‌اند بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند. اما هنوز در جوامع در حال توسعه تعادل مطلوب و قابل قبول در مشارکت عادلانه زن و مرد و استفاده منصفانه از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برتر قرار داده نشده است. بنابراین، تا زمانی که زنان ایران به عنوان نیمی از نیروی انسانی در روند توسعه توجه کافی مبذول نشود، تحقق این آرمان و آرزو محال به نظر می‌رسد (نیکان، ۱۳۸۴). زنان و دختران اغلب اوقات صداها و تجربیات و مشارکت‌های آن‌ها نادیده گرفته می‌شود یا کمتر ارزش‌گذاری می‌شود. در تمام نقاط جهان زنان به دلیل فشار بیش از حد کار و عدم قدرت و نفوذ خود با تهدیداتی برای زندگی، سلامت و رفاه خود مواجهند، در بیشتر مناطق جهان، زنان نسبت به مردان آموزش رسمی کمتری دریافت می‌کنند و در عین حال دانش توانایی‌ها و مکانیسم‌های مقابله‌ای خود زنان اغلب ناشناخته می‌ماند. با زنان همچنان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود و اعمال افراطی وحشیانه مانند ختنه زنان سالانه به میلیون‌ها دختر آسیب وارد می‌کند. طبق آمار تقریباً ۳۵ درصد از زنان در طول زندگی خود خشونت فیزیکی یا جنسی را تجربه کرده‌اند و بیش از ۶۰۰ میلیون زن در ۱۵ کشوری زندگی می‌کنند که خشونت خانگی هنوز جرم محسوب نمی‌شود. خشونت علیه زنان بزرگترین

جنگ امروزی است، و بیشتر افرادی که در فقر زندگی می‌کنند زنان هستند. اگرچه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما تنها یک درصد از ثروت جهان را در اختیار دارند. در سراسر جهان زنان و دختران ساعات طولانی کار خانگی بدون مزد را انجام می‌دهند و در برخی مکان‌ها زنان هنوز فاقد حقوق مالکیت زمین یا به ارث بردن دارایی، دسترسی به اعتبار و کسب درآمد یا ارتقای محل کار خود بدون تبعیض شغلی هستند. چالش‌های جهانی ماهیت فراملی و راه حل فرانهادی دارند. هیچ دولت یا نهادی به تنهایی نمی‌تواند به آن‌ها رسیدگی کند آن‌ها نیاز به اقدام مشترک بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و افراد خلاق دارند. همان‌طور که گفته شد ۱۵ چالش جهانی که یکی از آن‌ها وضعیت زنان است که یک مسأله دائمی است خشونت علیه زنان، شکاف جنسیتی یا نابرابری جنسیتی که علل ریشه‌ای آن قوانین تبعیض‌آمیز و هنجارهای اجتماعی است که بحث زنان را به چالشی جهانی تبدیل کرده است تا زمانی که قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی از بین نرفته و تبعیض و خشونت علیه زنان مورد پیگیری قانونی قرار نگیرد و حضور زنان در مجامع ملی در همه کشورها محقق نشود و استراتژی‌های توسعه شامل جنسیت می‌شود، به طور جدی، باید به این موضوع پرداخته شود. وضعیت زنان در حال تغییر است همان‌طور که گفته شده وضعیت زنان با افزایش استقلال اقتصادی زنان قابل تغییر است پس مسأله‌ای که ایجاد می‌شود این است که وضعیت زنان در حال تغییر است پس چه باید کرد که وضعیت زنان به بهبود وضعیت انسانی کمک کند؟ دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده است همان‌طور که بیان شد یکی از مقولات مهم در توسعه که مدت‌ها مورد غفلت نظریه‌پردازان و سیاستگذاران قرار گرفته بود، موضوع زنان است (مؤمنی، ارضروم‌چی‌لر و هنردوست، ۱۳۹۳). از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جهان هستند و در واقع، در مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حضور و مشارکت فعال و پررنگی دارند و با توجه به چالش‌هایی که به وجود آمده است و شکاف‌هایی که وجود دارد و با توجه به جنبش‌هایی که به وجود آمده است جنبش‌هایی که برابری خواه هستند این مهم است که آینده زنان به چه سمتی خواهد رفت و آیا به یک وضعیت برابری جنسیتی می‌رسند، یا می‌شود به وضعیتی

برسند که در آینده مشارکتی مثل مردان داشته باشند؟ پس از این رو، در این پژوهش هدف بررسی وضعیت زنان و سناریوهای آن در آینده در افق ۲۰۵۰ است.

مبانی نظری

آینده‌پژوهی^۱ مطالعه آینده‌های ممکن^۲، احتمالی^۳ و ترجیحی^۴، جهان‌بینی‌ها و داستان‌های زیربنایی آن‌ها است (Sardar, 2010) و روشن می‌کند چه چیزی ممکن است ادامه یابد و چه عواملی ممکن است تغییر کنند. بنابراین، بخشی از این رشته به دنبال درک منظم و الگویی از گذشته و حال و تعیین احتمال وقایع و روندهای آینده است. همچنین، آینده‌پژوهی علمی فرارشته‌ای^۵ (فاتح‌راد و همکاران، ۱۳۹۲)، مشارکتی و عملگراست (بهروزی لک و جلیلونند، ۱۳۹۳؛ شیروانی ناغانی، عیوضی و قاسمی، ۱۳۹۵).

استفاده از واژه سناریوپردزای به عنوان یک ابزار برای تفکر استراتژیک و شفاف‌سازی تصورات آینده، بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد و وزارت دفاع آمریکا از آن به عنوان یک روش برای برنامه‌ریزی نظامی در سال ۱۹۵۰ استفاده کرد (Amer, Tugrul & Durance & Godet, 2010). هر سناریو یک آینده واقعی^۶ را نشان نمی‌دهد، بلکه درکی از آینده واقعی فراهم می‌آورد که از طریق آن می‌توان به تصمیمات و فعالیت‌های کنونی رسید (Amer, Tugrul & Antonie, 2013).

سناریوپردزای در طیف وسیعی از موضوعات، از یک مشکل خاص تا سناریوهای جهانی، (Stratigea, Giaoutzi & Papadopoulou, 2010, p. 41)، از یک بخش کوچک تا سناریوهای چندگانه، از محیط پیرامونی تا سیاست‌های کلان کاربرد دارد (Mietzner & Reger, 2005). برخی از سناریوها

-
1. Futures Study
 2. Possible
 3. Probable
 4. Preferable
 5. Trans-disiplinary
 6. Future reality

طیفی از وقایع محتمل در آینده را نشان می‌دهند (سناریوهای توصیفی^۱) و گروهی دیگر به دنبال رسیدن به هدف از پیش تعیین شده‌ای حرکت می‌کنند (سناریوهای هنجاری^۲).
 به دلیل توانمندی سناریوها در بیان عدم قطعیت و پیچیدگی، در قرن حاضر تأکید بر برنامه‌ریزی بر اساس سناریوپردازی است (Godet et al., 2004, p.53) چراکه سناریوها ابزارهای راهبردی مناسب برای ترسیم آینده میان مدت و بلندمدت هستند (Giaoutzi et al., 2011, p.102) و به برنامه‌ریزی در یک دیدگاه کلی‌نگر کمک می‌کنند (Varum & Melo, 2010).

پیشینه پژوهش

برخی مطالعات انجام گرفته در حوزه موضوعی پژوهش به شرح زیر است:
 سوزان کلر^۳ (۱۹۷۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش آینده زنان» بیان کرد در طول قرن آینده، جوامع باید جمعیت خود را در کنار سایر منابع ملی برنامه‌ریزی کنند. این تحولات گسترده، سازماندهی مجدد اولویت‌های ملی و نیز تغییرات در الگوهای خانواده، و کار را ضروری خواهد کرد. در نتیجه، باید برای هر دو شکل جدید اجتماعی شدن و تصور از خود بر اساس جنسیت آماده شد. نتیجه‌گیری مقاله پیشنهادهایی برای اقداماتی است که جامعه ممکن است برای کمک به تسهیل گذار به عصر جدید بردارد.

در کتابی با عنوان *آینده زنان در کار: انتقال در عصر اتوماسیون* که توسط مادگاواکار^۴ و همکاران (۲۰۱۹) نوشته شده است، بیان شده است در عصر اتوماسیون زنان با چالش‌های جدیدی مواجهند. این کتاب به بررسی الگوهای بالقوه در شغل‌های از دست‌رفته و تغییر یافته و به دست آمده که فعالیت‌ها و الزامات مهارتی برای زنان با بررسی چندین سناریو در مورد اینکه چگونه روند پذیرش اتوماسیون و ایجاد شغل می‌تواند برای مردان و زنان با توجه به الگوهای جنسیتی فعلی در نیروی

-
1. Descriptive
 2. Normative
 3. Keller
 4. Madgavkar

کار جهانی انجام شود تغییر کند. این تحقیق شش اقتصاد بالغ (کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، بریتانیا، و ایالات متحده) و چهار اقتصاد نوظهور (چین، هند، مکزیک و آفریقای جنوبی) را بررسی می‌کند که در مجموع، حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

استوتسکی^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «گرایش‌ها در برابری جنسیتی و پیشرفت زنان» به بررسی گرایش‌ها در شاخص‌های برابری جنسیتی و توسعه زنان، با استفاده از شواهد به‌دست‌آمده از شاخص‌های فردی و شاخص‌های برابری جنسیتی می‌پردازد. هر دو شاخص توسعه جنسیتی برنامه توسعه ملل متحد و شاخص جنسیتی را برای بررسی روند زمانی گسترش داده‌اند. نتایج نشان داد کشورها می‌توانند پیشرفت‌های معناداری در برابری جنسیتی داشته باشند، حتی در حالی که تفاوت‌های درآمدی شایان توجهی بین کشورها باقی می‌ماند.

درویشی سه‌تانی و همی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶ یک بررسی آینده‌پژوهانه»، به روند حضور زنان در عرصه سیاست ایران در دهه آینده چگونه خواهد بود، توجه دارد. براساس گام‌های سناریونگاری شوارتز، سناریوهای چهارگانه آینده فعالیت زنان ایرانی در عرصه سیاست یعنی سناریوی اول: حضور کم‌رنگ و کم‌اثر زنان؛ سناریوی دوم: تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران؛ سناریوی سوم: پیشتازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اقتصادی و رفع نارسایی‌های فرهنگی اجتماعی؛ سناریوی چهارم: ارتقای وضع فعلی مشارکت زنان تدوین شدند. در نهایت، با توضیحاتی که در ارتباط با هر یک از سناریوها ارائه شد، ظهور سناریوی چهارم محتمل‌ترین گزینه خواهد بود. زغفرانچی (۱۳۸۵) مقاله‌ای با عنوان «زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه» نوشته است. این نوشتار میزان رویکرد نظام اسلامی را به رفع مشکلات و مسائل زنان در برنامه‌های توسعه بررسی کرده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد در برنامه‌های اول و دوم توسعه در محور زنان، افزایش سطح سواد عمومی زنان، ارتقای سلامت آنان و برنامه‌های اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان مورد توجه بوده است و در برنامه سوم یکی از مواد برنامه، مختص توسعه مشارکت‌های فرهنگی اجتماعی زنان در

نظر گرفته شده بود. در برنامه چهارم توسعه نیز علی‌رغم درک ضرورت توجه به مسایل زنان و خانواده و گنجانیدن پاره‌ای مباحث در این خصوص، محورهای مهمی نیز مغفول واقع شده است (زعفرانچی، ۱۳۸۵). همتی و مکتوبیان (۱۳۹۲) به توصیف و تحلیل وضعیت نابرابری جنسیتی در میان سیزده کشور منتخب منطقه خاورمیانه و به‌ویژه، جایگاه ایران با استفاده از داده‌های «گزارش جهانی شکاف جنسیتی» سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد وضعیت برابری جنسیتی ایران، در میان کشورهای منتخب خاورمیانه به‌رغم بهبود نسبی در برخی حوزه‌ها، در مجموع، رضایت‌بخش نیست. در نهایت، به منظور ارتقای برابری جنسیتی در ارتباط با هر یک از شاخص‌های فوق توصیه‌هایی مطرح شده است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲). همچنین، در کتابی با عنوان *آینده‌پژوهی نقش زنان و توسعه سیاسی در ایران* که دکتر مشکوه اسدی (۱۳۹۷) نوشته، تلاش شده است برای اینکه در چنین شرایطی چشم‌اندازی از نقش احتمالی زنان در آینده ارائه دهد. آینده حوزه زنان را به دو عامل سیاست و مذهب وابسته دانسته است که بر این مبنای چهار سناریو ترسیم شده است که هر یک می‌تواند آینده باورپذیری برای مشارکت سیاسی زنان فراهم کند. هر چهار سناریو مبتنی بر توصیف و تحلیل آینده‌های باورپذیر پیش رو هستند (اسدی، ۱۳۹۷).

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه موضوع این مقاله سناریوهای آینده زنان است و فرضیه‌ای ندارد، رویکرد مقاله از نوع کیفی است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش اسنادی کتابخانه‌ای و با مرور منابع و مصاحبه با خبرگان استفاده شده است. در مقاله حاضر سعی شده است آینده وضعیت زنان در قالب سناریو در نظر گرفته شود و برای رسیدن به این هدف از طریق سناریونویسی اقدام می‌شود. بنابراین، مسأله اصلی این مطالعه شناسایی روندها، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی وضعیت زنان و ترسیم سناریوهای پیش روی آن است. در مقاله حاضر با بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی با شناسایی نیروهای کلیدی و پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی موج‌های تغییر شناسایی شده، سناریوها ترسیم می‌شوند. براساس روش اصلی تحقیق در این پژوهش، که مبتنی بر سناریونگاری است، در ادامه با اتکا بر داده‌های گردآوری‌شده، تلاش می‌شود در قالب گام‌های اول تا هشتم روش

سناریونگاری به تحلیل وضعیت زنان و سناریوهای محتمل در این عرصه پرداخته شود. برای ترسیم سناریو از روش GBN استفاده می‌شود. پیتز شوارتز هشت گام را برای برنامه‌ریزی سناریویی پیشنهاد می‌کند:

گام اول: شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی

گام‌های دوم و سوم: نیروهای کلیدی و نیروهای پیشران

گام چهارم: طبقه‌بندی نیروهای کلیدی و پیشران بر اساس اهمیت و عدم قطعیت آن‌ها

گام پنجم: شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی

گام ششم: پربار کردن سناریو

گام‌های هفتم و هشتم: تحلیل، تدوین سناریوها، مشخص کردن شاخص‌های راهنمای هر سناریو. در پژوهش حاضر، پس از مرور منابع و مصاحبه با خبرگان، ۲۰ مؤلفه اثرگذار در وضعیت زنان احصا شده و از این موارد، به دو پیشران دست یافته شد که با توجه به عدم قطعیت‌ها چهار سناریو تعریف شده است. بازه زمانی این تحقیق در افق ۲۰۵۰ است.

یافته‌های پژوهش

روندهای تأثیرگذار بر وضعیت زنان

در سطح کلان بین‌المللی، روندهایی وجود دارد که با تغییرات خود روی تغییرات جامعه زنان هم تأثیر می‌گذارد در ذیل روندها و نیروهای آمده است که در بیرون از این سیستم بر تغییر و تحول در سیستم وضعیت زنان تأثیرگذار است. در اینجا از درون روندها پیشران‌ها احصا خواهد شد.

روند شهرنشینی: شهرنشینی باعث شده است که زندگی آپارتمان‌نشینی رونق پیدا کند و زندگی از شکل گسترده وارد شکل هسته‌ای شود و باعث کارکردن زن‌ها در شهرها شود. به همین دلیل عدالت اجتماعی بیشتر و زنان موقعیت بیشتر و بهتری برای کار پیدا می‌کنند.

روند صنعتی شدن: صنعتی شدن همراه با تولید بسیار در کارخانه‌های بزرگ که باعث شده زنان به عنوان نیروی کار ارزان وارد این کارخانه‌ها شوند و عدالت در حقوق دستمزد به هم بخورد در

اینجا صنعتی شدن تأثیر منفی بر جمعیت زنان گذاشته و تأثیر مثبتی که روند صنعتی شدن بر وضعیت زنان داشته می‌توان گفت که زنان از خانه‌ها بیرون آمده‌اند و به عنوان نیروی ارزان‌قیمت در داخل کارخانه‌ها که باعث شده است زنان خواسته و ناخواسته بحث اجتماعی شدن و حضور در جامعه را در پیش بگیرند.

روند دیجیتال شدن: دیجیتالی شدن باعث شده است بسیاری از امور منزل که قبلاً زنان به‌سختی آن‌ها را انجام می‌دادند، در حال حاضر به‌راحتی بتوانند با زمان کمتری آن‌ها را انجام دهند و باعث شده است تبعیض جنسیتی بین زنان و مردان را کاهش دهد.

دموکراتیزه شدن: با گسترش شبکه جهانی اینترنت و رواج استفاده از آن‌ها، ارتباطات و تعاملات به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. با افزایش ارتباطات سطح آگاهی عمومی در غالب کشورهای جهان افزایش یافت. ظهور تحولات فرهنگی و تکنولوژیک و شکل‌گیری مدرنیته باعث دموکراتیزه شدن جوامع شده، که در جامعه مؤثر بوده است. دموکراتیزه شدن روند مهمی است که باعث شده ذهنیت و پارادایم‌های ذهنی نسبت به حقوق زنان و مردان تعدیل شود.

روند توسعه سطح بهداشت: با افزایش سطح بهداشت عدالت در نگهداری زن و مرد رعایت شده و شکاف جنسیتی سلامت بین زنان و مردان کاهش پیدا کرده است. مثلاً در قدیم زن‌های بسیار زیادی به دلیل پایین بودن سطح بهداشت در وضع حمل جانشان را از دست می‌دادند. زنان و کودکان به دلیل پایین بودن سیستم ایمنی بدنشان اولین تلفات در بیماری‌ها بودند. ولی با افزایش روند توسعه سطح بهداشت عدالت بین زن و مرد رعایت شد.

مدرنیته و جهانی شدن: تأثیر جهانی شدن بر وضعیت زنان از قبیل میزان مشارکت آنان در امور سیاسی و اقتصادی و سطح تحصیلاتشان در تعامل و تقابل آن‌ها با این فرایند ارتباط مستقیم دارد. به نظر می‌رسد جهانی شدن به بهبود حقوق زنان منجر شود و بر فعالیت‌های اقتصادی، سطح دستمزد، اشتغال و استقلال مالی تأثیر مثبتی دارد (رفیعی و دباغی، ۱۳۹۳).

روند آموزش: در دو دهه گذشته شکاف جنسیتی در حوزه‌های آموزشی کاهش یافت و باعث شده است تعداد ثبت نام دختران و زنان در تمام سطوح تحصیلی افزایش یابد و پیشرفت شایان

توجهی صورت گرفته است که یکی از مهم‌ترین روندهایی است که باعث توانمندسازی زنان با دانش و مهارت و اعتماد به نفس لازم برای مشارکت کامل در فرایند توسعه شود. افزایش سطح تحصیلات هم فرصت‌های اشتغال برای وضعیت زنان و هم موجب بالارفتن سطح دستمزد آن‌ها در بازار کار می‌شود.

روند توسعه فناوری: فناوری اطلاعات و ارتباطات از مهمترین معیارهای توسعه و پیشرفت اقتصادی است. فناوری تأثیر مثبت بر برابری جنسیتی داشته و توسعه آن باعث کاهش نابرابری جنسیتی شده است. زنان بخش رو به رشدی از چشم‌انداز فناوری هستند که با رونق گرفتن صنعت فناوری فرصت‌ها برای زنان بیشتر و باعث پیشرفت شغلی زنان می‌شود. رشد فناوری موجب می‌شود بر سهم زنان در بازار کار افزوده شود.

روند توسعه تجارت: تجارت بر زنان تأثیر می‌گذارد و باعث ایجاد مشاغل بهتری برای زنان می‌شود، شرکت‌هایی که صادر می‌کنند زنان بیشتری را استخدام می‌کنند و دستمزد بیشتری به آن‌ها می‌پردازند و مزایای بهتر و امنیت شغلی ارائه می‌دهند و باعث ارتقای برابری زنان می‌شود. روندهای جدید در تجارت جهانی به ویژه افزایش خدمات، زنجیره‌های ارزش جهانی و اقتصاد دیجیتال فرصت‌های اقتصادی مهمی را برای زنان باز می‌کند. تجارت پتانسیل گسترش نقش زنان در اقتصاد، کاهش نابرابری و گسترش دسترسی زنان به مهارت‌ها و آموزش را دارد. تجارت به طور چشمگیری زندگی زنان را بهبود می‌بخشد و مشاغل جدید ایجاد می‌کند انتخاب مصرف‌کننده را افزایش می‌دهد و قدرت چانه‌زنی زنان در جامعه را افزایش می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

تصاویر ذهنی زنان از آینده خویش

روایت‌هایی از تصاویر آینده استخراج و معنا بخشی شده است که در ادامه این تصاویر بیان می‌شود:
گام‌های کوچک و تغییرات تدریجی: روایتی از آینده است که در آن هر گونه تغییر در آینده نتیجه برداشتن گام‌های کوچک در زمان حال است. زنان برای ایجاد تغییر در آینده خود و اطرافیان به دنبال استقلال هستند و این استقلال را از طریق درس خواندن و رسیدن به شغل ثابت می‌جویند. زنان به جایگاه شغلی و اجتماعی شکل‌دهنده هویت مستقلی برای آنان به منظور ایجاد تغییر در آینده خواهد بود.

رنگ من، فردای خوب من: در این روایت از آینده همه وجوه زندگی آینده رنگ فردگرایی و برتری منافع فردی به خود گرفته است. روایتی از آینده را شکل می‌دهد که توصیفگر فراگیری فردگرایی در آینده و رویگردانی زنان جامعه از خواسته‌ها و مطالبه‌های جمعی است و این یعنی خواسته‌ها و علایق ننگرانی‌ها و نیازهای فردی آنان نسبت به جمع در اولویت قرار خواهد گرفت که کلان روند فردگرایی می‌رسیم.

سهم خواهی زنانه: سهم زنان از آینده بیشتر از مردان خواهد بود زنان در آینده آزادی بیشتری به دست خواهند آورد و راحت‌تر به خواسته‌هایشان خواهند رسید این روایت آینده‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن زنان بر صندلی قدرت تکیه می‌زنند و تنها دلیل قرارگیری آنان در مدیریت کلان کشور شایستگی است.

جامعه محروم از زن: با ادامه روندهای فعلی از جمله موانع قانونی، مردسالاری و تسلیم‌ناپذیری مردان در مقابل مدیر زن، حاکمیت نگاه‌های جنسیتی و بی‌تمایلی زنان برای رسیدن به مدیریت کلان کشور، آینده زنان محقق نخواهد شد، پس جامعه از شایستگی زنان برای اداره امور محروم خواهد شد.

آینده بی‌جنسیت: در این روایت زنان به دنبال تعادل در دو کفه ترازوی مسئولیت‌ها، وظایف و حقوق آینده‌اند و فرصت‌های برابر در آینده، تغییر دیدگاه تبعیض‌آمیز و محدودکننده زنان را در رسیدن به آینده مطلوب کشور خواستارند. آن‌ها خواستار جامعه‌ای هستند که فارغ از جنسیت امکان و بستر رشد را برای همه فراهم آورد. جامعه‌ای برابری خواهی و نه برتری خواهی جنسیتی.

همیشه‌مادر: روایتی از آینده که به اتفاق وظیفه منحصر به فرد و خاص خود را به عنوان یک زن در آینده ایفای درست نقش مادری می‌دانند. آن‌ها مادری را از نقش‌های محوری خود در آینده می‌بینند و بار تربیت نسل بعد را بر دوش خود احساس می‌کنند. با این تفاوت که خود را مادرانی توانمندتر از مادران نسل‌های گذشته می‌دانند، زیرا گاهی‌هایشان افزایش یافته و شرایط و جایگاه اجتماعی اقتصادیشان رو به بهبود است (طاهری دمنه و حیدری دارانی، ۱۳۹۸).

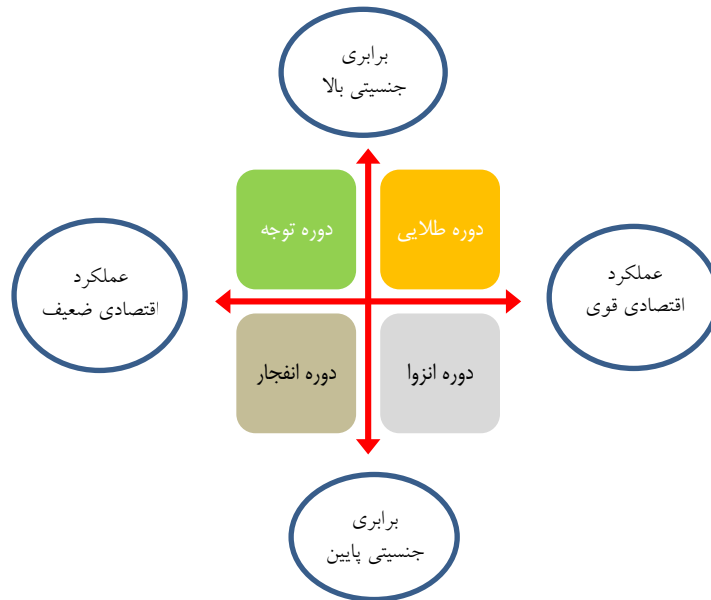
پیشران‌ها: نیروهای کلیدی و نیروهای پیشران در وضعیت زنان می‌توان موارد ذیل را نام برد:

جدول ۱. مؤلفه‌ها و نیروهای تأثیرگذار بر وضعیت زنان

۱	رشد فردگرایی	۱۱	تحولات در حوزه توسعه اقتصادی
۲	توسعه تکنولوژی و فناوری	۱۲	مدرنیسم
۳	جریان جهانی شدن	۱۳	تحول در عرصه فرهنگ و رویکرد سنتی
۴	تحولات در حوزه توسعه سیاسی	۱۴	نگرش‌های فمینیستی
۵	توسعه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی	۱۵	رشد اقتصادی
۶	اتصال به سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی	۱۶	رشد جمعیت
۷	توسعه انسانی	۱۷	رشد طبقه متوسط
۸	تحرك اجتماعی	۱۸	آموزش و تحصیلات عالی
۹	الگوی تجارت	۱۹	توسعه آگاهی‌های عمومی و مطالبه‌گری مردم
۱۰	برابری جنسیتی	۲۰	رشد اقتصاد خصوصی

با مرور منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان به ۲۰ مؤلفه که بر وضعیت زنان اثر می‌گذارد، دست یافته شد. پس از تعیین پیشران‌ها و نیروهای اصلی عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی می‌شود. از بین این مؤلفه‌ها دو پیشران مهم بر اساس عدم قطعیت و اهمیت به دست آمد که هر یک دو حالت عدم قطعیت دارند که با آن‌ها ۴ سناریو نوشته شد. رشد اقتصادی و برابری جنسیتی را به عنوان دو مؤلفه انتخاب و براساس فرض‌های مربوط به عناصر نسبتاً معین و عدم قطعیت‌های بحرانی و چگونگی رفتار نیروهای پیشران کلیدی می‌توان سناریوهای مختلفی را تبیین و تدوین کرد. در ادامه تلاش می‌شود ضمن توجه به توضیحات پیشین و با توجه به عدم قطعیت‌های بحرانی وضعیت زنان و روندهای متصور در دو حد نهایی مطلوب و نامطلوب چهار سناریوی مطرح توضیح داده شود که عبارت‌اند از:

- عملکرد اقتصادی قوی و برابری جنسیتی بالا (دوره طلایی)
- عملکرد اقتصادی ضعیف و برابری جنسیتی بالا (دوره توجه)
- عملکرد اقتصادی قوی و برابری جنسیتی پایین (دوره انزوا)
- عملکرد اقتصادی ضعیف و برابری جنسیتی پایین (دوره انفجار)



سناریو اول: دوره طلایی

دولت با موفقیت بنیان اقتصاد کشور را برای شکوفایی به طور پایدار تنظیم کرد که شاهد افزایش مناسبات اقتصادی و به همراه آن رونق اقتصادی را به همراه داشت رشد جمعیت باعث عملکرد اقتصادی قوی شد که به نفع زنان و مردان از همه طبقات است نظام سیاسی و دموکراسی برای زنان فرصت‌های بسیار مناسبی را فراهم کرده که زنان فعال کشور بتوانند مطالبات خویش را در تمام عرصه‌ها اعم از عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تغییر وضعیت عمومی زنان و حضورشان در تصمیم‌گیری‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز پیگیری کنند. زنان به خاطر مشارکت گسترده و حضور فعال، نگاه و نگرش حاکمیت را نسبت به خودشان تغییر داده‌اند. رأی‌دهندگان جوان سیاستمدارانی را به کار می‌گیرند که از سیاست‌هایی حمایت می‌کنند که با جهان‌بینی آن‌ها مطابقت دارد و در نتیجه سیاست‌ها از نوسازی اقتصادی و برابری جنسیتی حمایت می‌کنند حکومت هم نسبت به برآورده کردن انتظارات و خواسته‌های زنان تلاش می‌کند تا تمام توانمندی‌های خود را جهت ارتقای

جایگاه زنان در نظام کشور به کار بگیرند مشارکت زنان در کار بالا است که منجر به کاهش قابل توجه به شکاف جنسیتی در تمام سطوح مهارت می‌شود. پیشرفت‌های مداوم در فناوری باعث تقویت همکاری و توانمندسازی نسل‌های جدید کارآفرینان زن، بهبود تعادل بین کار و زندگی و گشودن مجموعه‌ای از فرصت‌ها برای زنان در طول حرفه‌شان می‌شود. تعداد زیادی از زنان احساس آزادی می‌کنند چون دولت در تصمیم‌سازی‌های کلان جامعه آن‌ها را سهم می‌کند و از ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایشان استفاده می‌کند و از مشارکت آن‌ها در کارهای اداری استقبال می‌کند و نگاه مردسالارانه نسبت به آن‌ها تغییر می‌کند و خشونت علیه زنان و تبعیض جامعه برچیده می‌شود. حکومت خود را در مبارزه با بی‌سوادی، مشارکت زنان، رفع قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، تأمین امنیت حقوقی زنان، ایجاد اشتغال برای زنان بیوه و معلول مسئول می‌داند و برای ایجاد نظام قضایی عادل تلاش می‌کنند. زنان در نهادهای عدلی و قضایی حضور دارند در عرصه‌های ورزشی درخشانده‌اند و در پست‌ها و سمت‌هایی امنیتی، وزارت، معاونت، ریاست و مشاورات و ادارات دولتی و غیر دولتی همکاری دارند و به همه حق و حقوق‌شان رسیده‌اند و همه نیازمندی‌هایشان رفع شده است. استعدادهای ذاتی زنان از آنان رهبران و شکل‌دهندگان به کسب و کار در اجتماع را ساخته است. توانمندسازی زنان با محوریت آموزش و پرورش و آموزش عالی به سرعت در جهان شکل گرفته است که آموزش زنان نقش مهمی در توسعه انسانی و ارتقای خرد جمعی جامعه را در برداشته است. آگاهی جامعه زنان در زمینه علم‌آموزی و آموزش باعث شناخت عمیق زنان از توانایی و ظرفیت‌های اجتماعی و عزم جدی برای تعیین سرنوشت خود شده است و وضعیت اشتغال برای زنان که موجب بالارفتن سطح دستمزد آن‌ها در بازار کار شده است. با توانمندسازی زنان و خودمختاری و بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بهداشتی زنان که هدف جامعه بود جهان به یک توسعه پایدار دست یافت.

سناریو دوم: دوره توجه

در این سناریو ما عملکرد ضعیف اقتصادی را در مقابل پیشرفت گسترده در برابری جنسیتی داریم. در اینجا اقتصاد رشد ضعیفی دارد، فسادهای اقتصادی زیادی جامعه را فرا گرفته است، اما دولت در

پیشبرد ارزش‌های مترقی خود درباره برابری جنسیتی قاطعانه عمل می‌کند و برابری سیاست‌های جنسیتی در دستور کار اجتماعی و سیاسی در کل جامعه کنترل می‌شود. اگرچه دولت با بودجه محدود و پرداخت‌های کسری بالا روبه‌رو است، اما همچنان سیاست‌های برابری جنسیتی را اجرا می‌کند. با حمایت دولت از برابری جنسیتی و اقدامات انجام‌شده زنان تشویق به تحصیل و آموزش به ویژه آموزش STEM و نوآوری برای رسیدن به برابری درآمد و دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر در قانون لحاظ می‌شود. سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان به دلیل توجه به زنان ارتقا می‌یابد. دستیابی به هدف مشارکت برابر زنان و مردان در تصمیم‌گیری، تعادل را ایجاد کرده است که ترکیب جامعه را با دقت بیشتری منعکس کرده که برای تقویت دموکراسی و ارتقای عملکرد صحیح آن مورد نیاز است. دستیابی به عدالت اجتماعی و حقوق برابر برای زن و مرد مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از سازمان‌ها برای برابری جنسیتی زنان را توانمند کردند، چون می‌دانستند توانمندسازی اقتصادی زنان می‌تواند به دستیابی به برابری جنسیتی کمک کند که باعث برابری در دستمزد برای زنان شده است. تضمین حقوق زنان و دادن فرصت به آن‌ها برای دستیابی به پتانسیل کامل نه تنها باعث برابری جنسیتی شده است، بلکه برای دستیابی به طیف وسیعی از اهداف توسعه بین‌المللی نیز شده است. زنان و دختران توانمند به سلامت و بهره‌وری خانواده‌ها و جوامع و کشورهای خود کمک کرده‌اند و اثری موج‌دار در جهان رو به سوی توسعه پایدار پیش برده‌اند. فرصت‌های برابر برای زنان خلاقیت را آزاد کرده است که کارآفرینی را تقویت می‌کند. برابری جنسیتی وارد آگاهی جهانی شده و باعث توسعه شده و جهان را در پیشبرد اهداف توسعه به پایداری رسانده است.

سناریو سوم: دوره انزوا

مانند سناریو اول با یک اقتصاد سالم روبه‌رو هستیم که در آن دولت به رشد اقتصادی رسیده است. اما پیشرفت گسترده‌ای در برابری جنسیتی مشاهده نمی‌شود و ترس در زنان به دلیل نابرابری جنسیتی موج می‌زند و به طور کلی، به خاطر عدم اعتماد نیروی کار را ترک می‌کنند. در این سناریو دولت نقش محدودی در حمایت از برابری جنسیتی ایفا می‌کند و مردان نسبت به زنان، شانس بیشتری

برای استخدام دارند. تبعیض به صورت آشکار توسط کارفرمایان خصوصی و دولتی انجام می‌شود. حتی در برخی مشاغل فنی مهندسی به رغم آزادی تحصیل عملاً شانس یافتن شغل متناسب با تحصیلات برای دختران وجود ندارد و نابرابری علیه زنان برای یافتن شغل در حال افزایش است. زنان شانس حضور برابر با مردان را در بازار کار نداشته‌اند و حاضر به کار با دستمزدهای پایین‌تر می‌شوند. وجود اختلاف جنسیتی در دستمزدها شکل می‌گیرد و زنان در مشاغل برابر با وجود بهره‌وری یکسان، دستمزدهای متفاوتی دریافت می‌کنند. تبعیض در آموزش به معنای عدم دسترسی یکسان به امکانات آموزشی برای زنان و مردان موج می‌زند. یا شانس استخدام و یافتن شغل برای آن‌ها پایین است که از کارکردن و جست‌وجوی کار مایوس و سرخورده شده و تمایل کمتری به مشارکت در نیروی کار خواهند داشت و نرخ مشارکت اقتصادی‌شان کاهش خواهد یافت. دولت مدعی دفاع از برابری جنسیتی نیست و باور به این دارد که برای سطوح عالی مدیریتی دولت زنانی با کفایت وجود ندارند. نادیده‌گرفتن، حتی کمرنگ‌دانستن موضوعات مربوط به زنان در جهان انحراف را از مسیر توسعه همه‌جانبه و پایدار را در جامعه به وجود آورده است. دستیابی به عدالت اجتماعی و حقوق برابر برای زن و مرد به یک چالش توسعه جهانی تبدیل شده است. زنان اغلب بیشتر از مردان کار می‌کنند، اما حقوق کمتری دریافت می‌کنند تبعیض جنسیتی بر دختران و زنان در طول زندگی تأثیر گذاشته است و زنان و دختران از فقر رنج می‌برند و خطرات بهداشتی دائماً آن‌ها را تهدید می‌کند. اغلب صدا و تجربیات و مشارکت‌های زنان نادیده گرفته شده است و با زنان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود. زنان فاقد حقوق مالکیت زمین یا به ارث‌بردن دارایی هستند و در دسترسی به اعتبار کسب درآمد یا ارتقای محل کار خود با تبعیض شدید جنسیتی روبرو می‌شوند. زنان همچنان با نابرابری‌های بهداشتی مواجه هستند و از پیامدهای سلامتی جدی رنج می‌برند. خونریزی شدید، عفونت، فشارخون بالا در دوران بارداری، سقط جنین غیر ایمن زنان را تهدید می‌کند و سلامت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. زنان در زمینه‌های مرتبط با علم و مهندسی و تولید ساخت و ساز حضور ندارند و نرخ بی‌سوادی در میان زنان بیشتر از مردان است و جامعه ارزش بسیار کمی به زنان می‌دهد.

سناریو چهارم: دوره انفجار

در این سناریو رشد اقتصادی بسیار ضعیف است فسادهای اقتصادی زیادی جامعه را تهدید می‌کند با رشد اقتصادی خیلی کم، تجارت هم از سود کم رنج می‌برد و باعث می‌شود که مشاغل‌های غیر حیاتی کاهش پیدا کند و کارگران ناامیدانه مشاغلی را که دارند حفظ کنند و دستمزد کمتر و ساعت کاری بیشتر و مزایای کمتری را می‌پذیرند. به خاطر اقتصاد پایین، دولت بودجه خودش را قطع می‌کند و با قطع بودجه دولتی برای حمایت اجتماعی مشارکت زنان در نیروی کار همچنان رو به کاهش است، زیرا تعداد فزاینده از زنان مجبور می‌شوند در خانه بمانند تا بار مراقبت را به دوش بگیرند با تعداد کمتری از زنان در نیروی کار شرکت‌ها هم انگیزه کمتری برای ترکیب برابری جنسیتی احساس می‌کنند. در نتیجه، نقش‌های جنسیتی سنتی در جای خود باقی می‌مانند نگاهی مردسالارانه وجود دارد و زن حق مشارکت مؤثر در تعیین سرنوشت خود را ندارد. تلاش زنان برای ورود به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را برخاسته اندیشه‌های فمینیستی می‌دانند مشارکت زنان در امور مربوط به تصمیم‌گیری‌های کلان بسیار کم‌رنگ بوده است و علاوه بر آن زنان با مشکلات متعدد و از جمله تبعیض، خشونت، آزار و اذیت جنسیتی مواجهه کرده است. بعضی از زنان تحت ستم و فقر و خشونت به سر می‌برند و گرسنگی برای زنان و کودکان یکی از عوامل تسلیم آن‌ها در برابر مردان است. رفتار بد و خشونت‌آمیز علیه زنان و توهین به آن‌ها از عواملی است که باعث شده است زنان در تاریکی و ناامیدی به سر برند. جلوگیری از تحصیل دختران و ازدواج‌های اجباری باعث شده است همچنان در ظلم و ستم باقی بمانند و صدایشان برای تأمین تساوی جنسیتی به مشکل شنیده می‌شود و خشونت علیه زنان همچنان وجود دارد. در عرصه خانواده که مهم‌ترین صحنه بروز و ظهور جایگاه و موقعیت خطیر زن است شأن و منزلت زن دستخوش تعصبات و جهالت مردان قرار می‌گیرد در عرصه اجتماعی بسیاری از زنان سرپرست خانوار که حمایت‌های ناچیز دولت تکاپوی مخارج سنگین آن‌ها را نمی‌دهد به مشاغل سخت و طاقت‌فرسا یا مشاغلی که تناسبی با شأن انسانی آن‌ها ندارد، روی آورده‌اند. به دلیل اقتصاد پایین کاهش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و دولتی در فناوری و سرمایه انسانی به ویژه به زنان محروم آسیب می‌زند و توانایی آن‌ها

را برای اتخاذ مهارت‌های رقابتی محدود می‌کند و آن‌ها را مجبور مشاغل کم‌مهارتی می‌کند که در اقتصاد در حال فروپاشی مانده است، دولت از نظر مالی در تنگنا قرار دارد و از اعمال یا تقویت سیاست‌های برابری جنسی خودداری می‌کند. جامعه به سمت ناپایداری و از مسیر توسعه فاصله گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

بحث و بررسی درباره آینده وضعیت زنان ساده نیست و در صورت بی‌توجهی به واقعیت‌های جاری و روندهای موجود مرتبط با زنان در حد پیشگویی است برای اجتناب از خیال‌پردازی توجه به تجربه‌های موجود و روندهای اجتماعی و تحولی ضروری است. این تأکید تا حدودی می‌تواند ما را به بعضی از ابعاد و زوایای زنان در آینده راهنمایی کند. از آنجا که وضعیت زنان جایگاه مهم و برجسته‌ای دارد و هم رسیدن به اهداف متعالی و انسانی و وضعیت مطلوب در همه زمینه‌ها مورد توجه است، باید تلاش شود سیاست‌های روشن، آینده‌نگر، واقعی، پایدار و فراگیر در این زمینه وضع و اجرا شود. استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی در اینجا می‌تواند مؤثر و راهگشا باشد. آینده‌پژوهی دانش مطالعه آینده (رویدادها، حوادث، روندها، نوآمدها و...) و به منزله علم و هنر کشف آینده و مهارت شکل‌بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است.

هدف اصلی بررسی سناریوهای آینده زنان در جهان برای اتخاذ تصمیم‌های شایسته و برتر و انتخابی مطلوب برای دسترسی به آینده‌ای بهتر است پس برای دستیابی به این هدف از روش تحقیق سناریونویسی با پیشران‌ها و عوامل کلیدی تأثیرگذار در آینده زنان بهره گرفتیم و با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی چهار سناریو از آینده وضعیت زنان را ترسیم کردیم. در آخر، در اینجا چند راهکار و اقدام برای وضعیت مطلوب زنان بیان می‌شود:

- ترویج آموزش به دختران، تعلیم و توسعه حرفه‌ای برای آنان.
- به‌کارگیری زنان در فعالیتهای بازاریابی و تجارت و زنجیره تأمین و روش‌های توسعه شرکت که به زنان قدرت می‌دهد و باعث توانمندسازی آنان می‌شود.

- رفتاری عادلانه در محل کار و ایجاد و اجرای قوانین علیه رفتار با زنان به عنوان شهروندان درجه دوم، خشونت علیه زنان، نگرش‌های مردسالارانه و اعمال وحشیانه مانند ختنه زنان و قتل‌های ناموسی و پایان بخشیدن به همه اشکال تبعیض جنسیتی.
- اجرای اصلاحات برای دادن حقوق مساوی و دسترسی به مالکیت زمین و ارث و... (مالک‌بودن اموال).
- مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی در رسانه‌ها و افزایش درصد مدیران زن.
- دستمزد برابر و عدالت در کار باید در قانون ادغام شود.
- حضور فعال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی در سطح جامعه.
- اتخاذ سیاست‌های درست و قانونی برای توانمندسازی همه زنان و دختران در تمامی سطوح.
- اتخاذ بیمه به زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست و ارائه سبد کالا.
- ورود زنان سرپرست خانوار به بازار کار و ارائه تسهیلات تعاونی و اشتغال و مسکن.

منابع

- ابوت، پاملا، و والاس، کلر (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: انتشارات دنیای مادر.
- اسحاق حسینی، سیداحمد (۱۳۸۲). مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار. تهران: برگ زیتون.
- اسدی، مشکوه (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی نقش زنان و توسعه سیاسی در ایران. نشر آینده‌پژوه، مرکز تحقیقات سیاست علمی.
- بهروزی لک، غلامرضا، و جلیلود، محمدرضا (۱۳۹۳). سیر تحولات فرارشته آینده‌پژوهی: مطالعه موردی آمریکا. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۱)، ۵-۹۴.
- پروژه هزاره میلینیوم (۲۰۱۷). تاریخچه ۱۵ چالش جهانی. برگرفته از <https://www.millennium-project.org/challenge-11>.
- درویشی سه‌تلانی، فرهاد، و همتی، زهره (۱۳۹۷). سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶ یک بررسی آینده‌پژوهانه. زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۳)، رفیعی، محمدتقی، و دباغی، مجید (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و حقوق زنان، فرصت‌ها و چالش‌ها. مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، ۵(۱۴)، ۱۸۸-۲۲۵.
- زعفرانچی، لیلا (۱۳۸۵). زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه. مطالعات راهبردی زن، ۹(۳۳)، ۹۸-۱۲۹.
- شیروانی ناغانی، مسلم، عیوضی، محمدرحیم، و قاسمی، حاکم (۱۳۹۶). چیستی و چرایی مفهوم میان‌رشته‌ای آینده‌نگاری راهبردی در فرارشته‌ای آینده‌پژوهی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۳)، ۱-۲۴.
- طاهری دمنه، محسن، و حیدری دارانی، زهرا (۱۳۹۸). زنان و دگرگونی‌های آینده به تحلیلی بر تصاویر ذهنی دختران متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده. زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۴)، فاتح‌راد، مهدی، جلیلود، محمدرضا، مولایی، محمدمهدی، سمیعی، سعید، و نصرالهی وسطی،

لیلا (۱۳۹۲). مختصات روش‌شناختی فرارشته آینده‌پژوهی به مثابه یک فراپارادایم یکپارچه. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۶(۱)، ۱۶۱-۱۳.

مؤمنی، فرشاد، ارضرومچیلر، سمیه، و هنردوست، عطیه (۱۳۹۳). بررسی وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب. *زن در فرهنگ و هنر*، ۶(۱)، ۲۸-۱.

نیکان، انیس (۱۳۸۴). پنج چالش اصلی زنان و دختران در ایران و جهان. *حدیث زندگی*، شماره ۲۲.

همتی، رضا، و مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورها منتخب خاورمیانه: با تأکید بر جایگاه ایران. *پژوهش‌نامه زنان*، ۴(۲)، ۱۴۲-۱۱۵.

Amer, M., Tugrul, U. D., & Antonie, J. (2013). A review of scenario planning. *Futures*, 46, 23-40.

Bank for Reconstruction and Development 2020 International / The World Bank and the World Trade Organization. 1818 H Street NW, Washington, DC 20433.

Durance, P., & Godet, M. (2010). Scenario building: uses and abuses. *Technological Forecasting and Social Change*, 77, 1488-1492.

Godet, M., & Durance, P. (2011). *Strategic foresight for corporate and regional development*. UNESCO Publishing.

Godet, M., Monti, R., Meunier, F., & Roubelat, F. (2004). *Scenarios and Strategies: A Toolbox for Problem Solving*, Cahiers du LIPSOR. Paris: Laboratory for Investigation in Prospective and Strategy.

Janet, G., Stotsky, J. G., Shibuya, S., Kolovich, L. L., & Kebhaj, S. (2016). Trends in Gender Equality and Women's Advancement. *International Monetary Fund*.

Keller, S. (1973). *The future role of women*. The Annals of the American Academy of Political and Social Science.

Madgavkar, A., Manyika, J., Krishnan, M., Ellingrud, K., Yee, L., Woetzel, J., Chui, M., Hunt, V. & Balakrishnan, S. (2019). *The future of women at work: Transitions in the age of automation*. McKinsey Global Institute.

Mietzner, D., & Reger, G. (2005). Advantages and disadvantages of scenario approaches for strategic foresight. *Technology Intelligence and Planning*, 1, 220-239.

Sardar, Z. (2010). The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic; foresight—What's in a name? *Futures*, 42, 177-184.

Stratigea, A., Giaoutzi, M., & Papadopoulou, Ch. (2010). Foresight analysis for world agricultural markets (2020) and Europe, WP6 - The AG2020 Case Studies Report on the Kastelli - Herakleion Case Study.

Varum, C. A., & Melo, C. (2010). Directions in scenario planning literature. A review of the past decades. *Futures*, 42, 355-369.